

شرف الدین رامی و آثار بلاغی او به فارسی

اثر: دکتر ابراهیم دیباجی

استاد دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران

(از ص ۱۳ تا ۳۰)

چکیده:

شرف الدین رامی تبریزی یکی از ادیبان فرزانه سده هشتم هجری بوده، و در نیمه دوم آن درگذشته است. رامی پیرامون علوم بلاغی سه یا چهار اثر ارزنده به زبان فارسی تألیف نمود و در نگارش آنها توانایی ابداع و ابتکار خود را نشان داد: طبقه‌بندی موضوعی صور خیال اندام آدمی یکی از شیوه‌های ابداعی او است که در کتاب ارزشمند «انیس العشاق» به تبیین آن پرداخته است. در آثار بلاغی فارسی و عربی تاکنون کسی صور خیال اندام آدمی را بدین گونه دسته‌بندی نکرده است.

واژه‌های کلیدی: بلاغت، بدیع، صنعت بلاغی، استعاره، تشبیه، کنایه.

مقدمه:

شرف الدین حسن بن محمد رامی تبریزی از سراینندگان سده هشتم هجری و از نوآوران فنون بدیعی است، از زمانی که «ترجمان البلاغه» رادویانی و «حدائق السحر» و طواط پیرامون صنعت‌های بدیعی - بلاغی نگارش یافته تا سده هشتم که رامی به جمع و ترتیب و تبیین آنها پرداخته، از ابداع و ابتکار چشم‌گیر نشانی نداریم، در آثار پیش از «رامی» گاه در تبیین و تعریف صنعتی بدیعی یا در نهایت ابداع صنعتی یا دسته‌بندی و شاخه‌شاخه نمودن آنها به ایجاز سخن گفته و نوشته‌اند و کمتر در راستای نهادن اساس و پایه‌های استوار و کلی و عمومی اصول بلاغی بوده‌اند، و لیکن «رامی» در این باره گام‌هایی برداشته و موفق بوده است. پیش از آنکه به گزارش نوآوری‌ها و کوشش‌های او در این مورد پردازیم در هویت شخصی او اندکی درنگ می‌کنیم.

شادروان اقبال آشتیانی در دیباچه‌های خود بر «حدائق السحر» و طواط و «انیس العشاق» رامی و استاد سید محمد کاظم امام در مقدمه خود بر «حقائق الحدائق» به تفصیل درباره «رامی» نوشته‌اند و کتابشناسی او را یاد کرده‌اند و نیازی به تکرار آن مطالب نیست، و لیکن در این گزارش‌ها نقد و نظرهایی که پیرامون سال درگذشت «رامی» و نام و نشان و شماره آثار او یاد شده از پنهانی و پیچیدگی و تاریکی و دشواری سرگذشتنامه او حکایت دارد و اگر بخشی از گفته یا نوشته این فرزندان در این نوشته تکرار گردیده در این راستا بوده تا دیدگاه‌دیگری نهاده شود و راه پژوهش هموار گردد: آنگونه که کتاب‌شناسی‌ها و فهرست‌های نسخه‌های خطی نشان می‌دهد «رامی» در فنون «بدیعی - بلاغی» در روزگار خود شهرت داشته و به اصطلاح در این فنون صاحب نظر و متخصص بوده و در این باره سعی و کوشش می‌نموده و به تألیف و تصنیف اشتغال داشته است و شاید همین تخصص و اشتها او در فنون بدیعی افزون بر شاعری، موجب گردیده که ایلکانیان وی را جهت ساختن و پرداختن به آثار بدیعی جالب و استوار و پایدار برگزیده‌اند؛ اگر چه در کتاب‌شناسی‌ها از شماری از آثار او همچون «بدایع الصنایع» یا «تحفة الفقیر» و «مختصر الصنایع» و غیره یاد شده است، و لیکن «انیس العشاق» و «حقائق الحدائق» توانایی و چیره‌دستی و مهارت «رامی» را در فنون بدیعی آشکار

ساخته است.

«رامی» کتاب‌های: «انیس العشاق» و «حقایق الحدائق» را به نام سلطان اویس ایلکانی از (۷۵۷ هجری تا ۷۷۶ هجری) نگارش داد. وی در دربار شاه منصور (کشته به سال ۷۹۵ هجری) آخرین پادشاه آل مظفر، لقب «ملک الشعرا» یافته است، تاریخ کشته شدن شاه منصور (۷۹۵ هجری) ممدوح «رامی» در تذکره دولت‌شاه سمرقندی آمده، و برخی از تذکره نویسان مانند شادروان «تربیت» را دچار اشتباه ساخته و او این سال (۷۹۵) را تاریخ درگذشت «رامی» یاد کرده و همین باعث شده که شادروان اقبال بر «تربیت» خرده گرفته و ما در همین گزارش به آن خواهیم پرداخت، سال کشته شدن شاه منصور ممکن است با سال درگذشت «رامی» یکی باشد، ولیکن تاکنون درباره تاریخ درگذشت «رامی» سند معتبری بدست نیامده است.

شادروان اقبال در دیباچه خود بر «انیس العشاق» نوشته: «... رامی در یک جای انیس العشاق نام یکی از استادان خود را که حسن بن محمود کاشی نام داشته ذکر کرده، این شخص بنا به اشاره تقی الدین کاشی در «تذکره خلاصه الاشعار» در سال ۷۱۰ فوت کرده است، با این ترتیب بایستی شرف الدین رامی که در حدود سال ۷۱۰ و قبل از آن نزد حسن بن محمود کاشی شاگردی می‌کرده، اولاً: دو کتاب «انیس العشاق» و «حقایق الحدائق» را در حدود اوایل سلطنت سلطان اویس که از ۷۵۷ تا ۷۷۶ طول کشیده، تألیف کرده است، و ثانیاً: خود او نیز در دوران همین پادشاه مرده باشد، چه بعید می‌نماید او که در سنین قبل از ۷۱۰ تلمذ می‌نموده و سنی معقول داشته تا بعد از ۷۷۶ یعنی تا بعد از سلطان اویس مانده باشد، به همین جهات تاریخ فوت رامی در سال ۷۹۵ که مرحوم تربیت گفته درست به نظر نمی‌رسد (رامی، «انیس العشاق»، دیباچه اقبال آشتیانی).

آنچه را زنده یاد اقبال براساس فرض و احتمال بعید شمرده، دور از واقع نمی‌نماید، زیرا ما هم اساساً بر احتمال و فرض می‌گذاریم که رامی در ۷۱۰ هجری بیست ساله بوده و چندی از سال‌های عمر خود را نزد استاد حسن کاشی شاگردی نموده و در نخستین روزهای پادشاهی اویس و در دهه‌های ۶۰ تا ۶۵ سالگی هم دو کتاب یاد شده را نگارش داده و پس از

۷۷۵ هم در گذشته باشد، در این صورت وی در سال ۷۷۵ نزدیک به ۸۵ سال عمر داشته و بر فرض در ۷۹۵ در گذشته باشد، یعنی نزدیک به یک صد سال عمر نموده و این خیلی به دور از واقع نیست. اگر چه ما نیز یاد نمودیم که سند معتبری در مورد درگذشت او به سال ۷۹۵ در دست نداریم، و لکن احتمال درگذشت او در این تاریخ با سال‌های نزدیک به آن داده می‌شود!

موضوع دیگری که شایسته است به آن پرداخته شود، سال‌های تألیف دو کتاب یاد شده است: حاجی خلیفه سال تألیف «انیس العشاق» را ۸۲۶ هجری و تألیف «حقائق الحدائق» را ۸۷۸ هجری دانسته است، همانگونه که استاد سید محمد کاظم امام نوشته، اینگونه اختلاف‌ها یا اشتباه‌ها از سوی ناسخان نسخه یا چاپخانه‌ها پدید آمده، همانگونه که می‌بینیم که در فهرست کتابخانه مجلس شورای ملی (ج ۳، ص ۱۲۳) تاریخ درگذشت رامی از سوی چاپخانه ۸۹۵ چاپ شده که البته اشتباه مطبعی است.

نکته شایان توجه در باره آثار «رامی» و به ویژه «حقائق الحدائق» است که در بسیاری از کتاب‌شناسی‌ها و فهرست‌های نسخه‌های خطی، نام آن را «حدائق الحقائق» نوشته‌اند، و در «کشف الظنون» به تقدیم دو کلمه «حقائق» و «حدائق» و جابه‌جا شدن آنها اکتفا نشده و نام «شقائق الحدائق» به آن داده شده است، با توجه به اینکه «رامی» این کتاب را همچو گزارشواره‌ای بر «حدائق السحر» و طواط نوشته و در دیباچه آن بدین نکته اشارت داده است، از این رو نام «حدائق الحدائق» مناسب‌ترین نام در این راستا می‌باشد و نام «حقائق الحدائق» که در بسیاری از نسخه‌ها مانند نسخه کتابخانه مدرسه سپهسالار و غیره آمده در مرتبه دوم مناسبت قرار دارد و نام «شقائق الحدائق» بی‌وجه می‌نماید. (برای آگاهی بیشتر نسبت به آنچه یاد گردید: ابن یوسف شیرازی، فهرست کتابخانه مدرسه سپهسالار، ج ۲، ص ۴۳۷؛ همو فهرست کتابخانه مجلس شورای ملی، ج ۳، ص ۱۲۳؛ رامی؛ «انیس العشاق»، دیباچه اقبال، تهران، انجمن نشر آثار ایران، نشریه شماره ۲، ۱۳۲۵ شمسی، ص: سز - حقائق الحدائق - دیباچه امام، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۴۱ شمسی، صص ۴۷-۱)

بحث پیرامون «رامی» و آثار او شایسته رساله‌های جداگانه‌ای است و باید دانشکده‌های ادبیات بدان توجه نمایند، نگارنده در گزارشی که در پیش نهاده، نخست به نقد و بررسی

کتاب «انیس العشاق»، و پس از آن به «حدائق الحدائق» می‌پردازد، و کوشش او بر این است که در شناسایی و ارج و ارزش این آثار جانب انصاف را رعایت نماید، و در ضمن کوششی را که دو دانشمند فرزانه و بزرگ (اقبال و امام) پیرامون این دو کتاب انجام داده‌اند، به بررسی و ارزیابی گزارد، و پژوهندگان را به پژوهش‌های بعدی ترغیب و تشویق نماید.

۱- آغاز و پایان «انیس العشاق» و ترتیب باب‌ها و فصل‌های آن

«انیس العشاق» در میان کتاب‌هایی که درباره صنعت‌های ادبی و علوم بلاغی به فارسی نگارش یافته در راستای طبقه‌بندی موضوعی صناعات بلاغی بی‌نظیر است، در میان آثار بلاغی عربی اگر چه برخی مانند ابوهلال عسکری در «دیوان المعانی» صور خیال را طبقه‌بندی موضوعی نموده و بعضی دیگر از مؤلفان عربی هم گاه به طبقه‌بندی موضوعی پرداخته‌اند، و لکن طبقه‌بندی موضوعی رامی ویژه تشبیه اندام انسانی و یا یک طبقه‌بندی در موضوعی بسیار تخصصی است و از اینرو در میان آثار بلاغی عربی هم نظیر ندارد. رامی این کتاب را بر یک دیباچه و نوزده باب و یک خاتمه ترتیب داده، و در دیباچه آن از انگیزه خود، و نام خود و نام کتاب و فهرست مطالب سخن گفته، و آن را به بهادرخان امیر شیخ اویس ایلکان (۷۵۷ هجری - ۷۷۶ هجری) تقدیم داشته است.

پایان :

و پیوسته باید که شاعر را طلب حسن غالب بودن نه حسن طلب تا سخن او سلسله جنبان حلقه عشاق گردد، و چون شمع روشن است که بواسطه صفای ظاهر و تصفیه باطن سخن ارباب قلوب در دل سوختگان آتش عشق گرمتر در می‌گیرد.

فرق است میان سوزکز جان خیزد تا آنکه به ریسمانش بر خود بندی

۲- بررسی و تبیین شیوه‌های ابداعی «انیس العشاق»

همانگونه که یاد گردید «انیس العشاق» در میان کتاب‌های فارسی صنعت‌های ادبی بی‌نظیر است: این کتاب در واقع طبقه‌بندی موضوعی صور خیال اندام‌های انسانی است که خیال پردازان فارسی زبان، ساخته و پرداخته‌اند، این صورت‌های تشبیهی و استعاری و کنایی برگرفته شده از سروده‌های فارسی است که گویا رامی نخست با کنجکاوی و بررسی

اشعار فارسی گرد آورده و سپس به دسته‌بندی آنها پرداخته و بر نوزده باب ترتیب داده و در هر باب صور خیال عضوی را بررسی نموده است. رامی در آغاز هر بابی واژگان مترادفی را که در مورد عضوی بکار رفته می‌آورد، و در مواردی کلمات فارسی و عربی را با یکدیگر سنجیده و برابر هم نهاده و از این رو به معادله کلمات دو زبان نیز پرداخته است: در زبان عربی کتاب هابی در راستای دسته‌بندی موضوعی صفت‌های ادبی نگارش یافته است: ابوهلال عسکری در «دیوان المعانی» خود خیال‌پردازی‌های گوناگون شاعران عربی سرای را طبقه‌بندی موضوعی نمود، و ابن عون هم در کتاب «التشبیها» به دسته‌بندی تشبیه‌ها پرداخت، و سیوطی در این باره کتاب «وصف اللثالی فی وصف الهلال» را نوشت. انیس العشاق رامی اگر چه طبقه‌بندی موضوعی بخشی از صور خیال است، و لکن تا آنجا که نگارنده آگاهی دارد، در میان آثار بلاغی فارسی و عربی تاکنون دانشوری بلاغی بدینگونه به طبقه‌بندی موضوعی صورتهای خیالی خاص اندام‌های انسان نپرداخته است، تنها این «انیس العشاق» است که اینگونه طبقه‌بندی موضوعی صور خیال را در خود جای داده است. شیوه ابداعی این کتاب بر ادیبان و شاعران و بلاغیان بسیاری تأثیر گذارد و به تدریج مؤلفان در آثار «بلاغی بدیعی» خود بدین گونه امور توجه نمودند، و بطور مثال سخن از این نموده‌اند که چشم به نرگس و چشم آهو و غیره مانده است، و بر همین اساس برای هر یک از اندام‌های انسان مشبه به بسیاری را دریافتند و دسته‌بندی نمودند. رامی در «تمه» کتاب جای جای مناسب تشبیه اندام‌ها را نشان می‌دهد، و بدین ترتیب اهمیت کتاب از جهت وجود شیوه‌های ابداعی آنست که برخی از آنها عبارت است:

- ۱- از طبقه‌بندی صور خیال اندام انسانی پیش از رامی آگاهی نداریم، و «انیس العشاق» نخستین و نفیس‌ترین اثری است که در این راستا نگارش یافته است.
- ۲- رامی در این کتاب - با وجود اختصار و کوتاهی که دارد - به نقد و نظر برخی از صنعت‌ها نیز پرداخته است.

در باب اول گوید: پارسی گویان در مورد «زلف» سه گونه صورت خیالی ساخته‌اند، پس سه گونه مشبه به را یاد می‌کند، آنگاه می‌افزاید که ظهیرالدین فاریابی زلف را جادو می‌خواند

و در این تشبیه مخترع است، چنانکه می‌گوید:

زلفت بجادویی ببرد هر کجا دلی است و آنکه به چشم و ابروی نامهربان دهد
و این تشبیه بواسطه آن در عقد اسم و صفت زلف ذکر نرفت که جمهور طایفه در
استعمال این تشبیه متفق نیستند.^(۱)

در باب دوم نوشته: «جبین، و جبهه و ناصیه» اسم‌های تازی است و آن در پارسی جز
پیشانی نام دیگری ندارد، و در روی روزگار بدین چهار اسم مترادف روی شناس است، و
چهار حد اطراف او را به چهار کوكب سعد تشبیه کرده‌اند: اول آنکه

قدمای عرب جبین معشوق سرگردان را از جهت خضاب ابرو به «كف الخضيب» تشبیه
کرده‌اند و این صفت ناموجه است. («انيس العشاق»، ص ۱۰) و بدینگونه می‌بینیم که وی در
مواضعی به نقد و نظر پرداخته و از شیوه بیان او چنین استفاده می‌شود که وی همچون
بلاغیان متقدم برای مسائل بلاغی و صور خیالی حدود و ثغور قائل شده و آنها را محدود به
حدودی معنی نموده است. این تبیین چنانچه نشان دهنده نمونه‌ها و استقرار مواضع کاربرد
آنها باشد پسندیده است و لیکن انحصار مسائل بلاغی کاری خارج از حوزه و قلمرو بلاغت
است مگر در موارد خاصی که در ساختار و ترکیب و تعبیر در زبانی خاص آن را اقتضا نماید،
مثل بسیاری از صناعات لفظی که در زبان عربی و فارسی و زبان‌های مشابه آن کاربردی
خاص دارد.

۳- موارد کاربردی صور خیال اندام انسانی را در زبان فارسی و عربی، نشان داده است.

۴- صور خیالی که در مورد اندام‌های انسانی ساخته شده را تبیین و تفسیر می‌کند و به
اصطلاح علاقه‌ها و قرینه‌ها را نشان می‌دهد، و گاهی وجه تسمیه را نیز مشخص می‌نماید. در
کتاب «حقائق» چنین اموری نیامده جز مواردی اندک.

۵- استشهاد به اشعار فارسی، و در بیشترین آنها نام سراینده را یاد می‌کند، در صورتی که
در کتاب «حقائق» چنین نکرده است.

اینک اسامی شاعرانی که به شعر آنان استشهاد شده به ترتیب تقدم ذکر آنان در کتاب یاد می‌گردد.

شاعران یاد شده در «انیس العشاق»

به ترتیب ذکر در کتاب:

اثیرالدین اومانی - سید ذوالفقار - رشید وطواط - اثیرالدین اخسیکتی - خواجه جوی کرمانی - نزاری - سعدی - خاقانی - محمود مور - ظهیر فاریابی - امیر معزی - یمینی - فرخی - رامی (مؤلف) - شیخ عماد فقیه - ابن بناء - ابن هلال - قطب چوگانی - میر کرمانی - فخرالدین عراقی - فردوسی - امامی - اسری - سیف عرج - سحر آفرین - جمال الدین سلمان - بهشتی آملی - شادیشاه اسفرنکی - هماد الدین تبریزی - رودکی - عزشروانی - کمال غیاث - محمد عصار - ادیب کاتبی - عماد حروفی - ادیب صابر - انوری - کمال الدین اسماعیل - خسرو دهلوی - شمس الدین سرائی - سلمان - مبدع الدقایق - تاج الدین حلوائی - جمال الدین سلمان - ابن یمین - رکن الدین بکرانی - علاءالدین شوشتری - ابن حسام - سید جلال عضد - کمال الدین باوردی - اسکندر خراسانی - سلطان محمود سبکتکین - صدر بلخی - سورالدین اصبل آملی - عنصری - آغایی تبریزی - رکن جامی - حصاری - اوحدی - فخرالدین فتح اله - افضل الاقران فی الزمان - عماد الدین کرمانی - فرید احوال - مدامی - شریف الدین - شمس الدین طبسی - سعد بهاء.

۶- منابع کتاب «انیس العشاق»

رامی در باب پنجم که در صفت مژگان است از رساله «شیخ حسن اهوازی» یاد می‌کند و می‌گوید: «در رساله شیخ حسن اهوازی، در صفت حسن آمده است که چون بر صحیفه جمال نون خط ابروی خوبان می‌کشیدند:

مویی ز سر خامه تقدیر افتاد بر دیده نشست و نام او مژگان شد^(۱)

در صفحه بیست گوید: در «لسان العرب» آورده، همود در صفحه ۲۴ کتاب از امرؤ القیس

۱- «انیس العشاق» صص ۱۶-۱۷.

و ابوفراس نام برده و در صفحه ۲۵ چاپی از یحیی برمکی یاد نموده است. از دیگر منابع او کتاب «مخزن» است، وی در باب ششم که در باره صفت روی نگارش داده، می‌گوید: «و چند بیت صفت بینی یاد کنم و بینی را صاحب «مخزن» به تیغ سیمین نسبت کرده است:

تو گویی بینیش تیغی است از سیمیم که کرد آن تیغ سیمی را به دو نیم (۱)

۷- استشهاد به اشعار عربی نشده و در دیباچه آیه: «و ما ارسلناک الا رحمة للعالمین» و آیه «فانظروا الی آثار رحمة اللّٰه» و در پایان تتمه کتاب آیه «إلیه یصعد الکلم الطیب و العمل الصالح یرفعه» را ذکر کرده است؛ در میان کتاب چند جمله‌ای از امثال عربی به مناسبت آمده است.

۸- در تتمه کتاب جای تشبیه اندام را به طور قلبی و محدود و محصور و مشروط یاد نموده است. خشکی و جمودت ذهنی ادیبان و بلاغیان متقدم را از ابواب نوزده گانه کتاب و به ویژه از تتمه آن می‌توان بدست آورد: همه جای کتاب سخن از محدود نمودن تشبیه یا استعاره یا دیگر صور خیالی و عقلی به شماره‌های معین و محدود است.

در تتمه کتاب دایره این محدودیت‌ها تنگ‌تر شده و اینک بیان این محدودیت‌ها:

۱- در مورد صور خیالی زلف گوید: و آنچه تعلق به پارسی گویان دارد، آن است که حقیقت شست زلف را از روی مجاز صد اسم نهاده‌اند... (ص ۸).

۲- در مورد تشبیه «ابرو» گوید: و در عجم به سیزده صفت موصوف است (ص ۱۱).

۳- در مورد صور خیالی «چشم» گوید: و به سی و سه تشبیه در عجم متداول است (صص ۱۴-۱۵).

۴- در مورد تشبیه مژگان گوید: به دوازده صفت منشعب می‌گردد (ص ۱۶).

۵- در مورد تشبیه «روی» گوید: و روی نازنینان را به چهل و پنج صفت زیبا آراسته‌اند و در

عرب به وجه تشبیه «من وجه» به ده صفت متعارف است...

و اهل عجم از حقیقت او یازده صفت بر مجاز اطلاق کرده‌اند (ص ۲۰).

۶- در تنمه گوید:

الف) هر لب را به لعل تشبیه کنند باید که دهان را به «درج گوهر» نسبت نمایند.
ب) و هر جا که «روی» را به «بهشت» نسبت نمایند، باید که «لب» را به «کوثر» تشبیه نمایند.

ج) و لازم است که هر جا «لب» را به «شکر» تشبیه کنند «خط» را به «نبات» تشبیه نمایند.

د) و هر روی را به «بقم» نسبت دهند باید «خط» را به «نیل» تشبیه کنند.

ه) و هر جا که «زلف» را به «چوگان» نسبت کنند باید «زنخدان» را به «گوی» تشبیه نمایند.

و) و هر جا که «زلف» را به «شب» نسبت کنند باید که روی را به «ماه» تشبیه نمایند.

و بدین ترتیب است خشکی و جمودت ذهن و تنگی میدان فصاحت و بلاغت آن هم نسبت به مسائلی که در طبیعت موجودی که سخن آفرین است، یعنی انسان که این امور از ویژگی‌های آفرینش اوست «خلق الانسان علمه البیان» و اختصاص به زبان و گونه‌ای و قومی و ملّتی ندارد. همانگونه که بارها یاد گردیده: تشبیه و استعاره و کنایه و مجاز در سرشت این موجود نهاده شده و تفاوت و تنوع از او بدور نمی‌گردد، هر جا صوت و صدا و حروف کلمه و کلام یافت، آن را آشکار می‌سازد و یا با اشارت به انگیزه خود دست می‌یازد و آنجا که نیاز به دگرگونی و تغییر دارد به آفرینش و خلق و ابداع روی می‌آورد و اینها جزئی از رموز بیان و اعجاز و آیت آن است..

۷- شگفتا که رامی و پیش از او رادویانی و وطواط و شمس قیس رازی و دیگران از خرمن بلاغیان اسلامی و به ویژه ایرانی همچون: زمخشری و شیخ عبدالقاهر و سکاکی و خطیب دمشقی و تفتازانی و مانند آنها بهره یافته‌اند، و لکن به این بُعد از بیان توجه نکرده و چنان نموده‌اند که گویا از آثار دیگران تأثیر چندانی نیافته‌اند، اگر گفته شود که بی توجهی به ذکر منابع و مصادر سنتی بوده در میان متقدمان از اهل تألیف و تصنیف، و نویسندگان در این راستا سهل انگار بوده و تسامح را روا می‌داشته‌اند، پاسخ آن است که هر چه فرض گردد بدور از انصاف است، زیرا:

۱- مؤلفان متقدم بسیاری منابع و مصادر خود را یاد نموده‌اند، مانند ابن ندیم در

«الفهرست».

۲- در بعضی از آثار متقدمان به ذکر نام اشخاص یا کتاب تنها بسنده نکرده، بلکه به جرح و تعدیل هم پرداخته‌اند، مانند آثار کلامی.

۳- بر فرض چنین سنتی در میان برخی از نویسندگان رایج بوده، ولیکن به تدریج و بازگذشت زمان ناپسندی و زشتی آن ثابت شده و هر کتابی و رساله‌ای و نوشته‌ای از آن خالی بوده ارج و منزلت و اعتبار آن کاهش یافته است.

اندک ستایش و یا نکوهشی که پیرامون انیس العشاق یاد گردید، از ارج و منزلت آن نمی‌کاهد، بلکه آن را اثری شایسته نقد و نظر و دقت و تأمل می‌نمایاند، پیش از رامی از آن کتابی با چنین راه و روشی ساخته نشده است: استادان و سرایندگان و اهل ادب و معرفت را به غوررسی و کنجکاوی بهتر و بیشتر رهنمون و دانشجوآموزان و دانشجویان را به جنبش‌های ذهنی و تمرین و ممارست و موشکافی در سخنان گذشتگان رهبری می‌کند، و کتابی که جنبش و بینش را می‌آموزد ارزنده است، اگر چه دارای سستی‌ها و کمبودهایی باشد، جهان بیش از یک ذات کامل و تمام نمی‌پذیرد و نتوان پذیرفت.

نسخه‌های خطی انیس العشاق

از انیس العشاق رامی نسخه‌های گوناگونی شناخته شده و این است شماری از آنها:

۱- نسخه متعلق به کتابخانه شخصی عبدالحسین بیات که در مجموعه (ص ۲-۵۷) با خط نستعلیق ۸۳۴ هجری نوشته شده و شادروان احمد گلچین معانی آن را در فهرست نسخه‌های خطی (ج ۶ ص ۶۹) معرفی نموده است. آغاز این نسخه چنین است:

حمد و ثنای خالق - علت کلمته - که در مبدء خلقت وجود خاکیان را به تشریف...

پایان: فرق است میان سوزکز جان خیزد، (تا) یا اینکه به ریسمانش بر خودبندی.

۲- نسخه کتابخانه «قونیه»، مجموعه شماره ۲۵۴۶ (ف ۳۲۱) که شماره یک مجموعه (صص ۳-۴۷) و به خط نستعلیق بهاءالدین بن سعید تاج الدین در شنبه ۱۵ ع ۲۶، ۸۴۸ هجری نوشته شده (فهرست، میکروفیلم دانشگاه تهران، ج ۱، ص ۴۵۳)

- ۳- نسخه کتابخانه مجلس شورای ملی که در مجموعه شماره ۵۹۷۳ و شماره یک مجموعه (صص ۲-۱۰۸) به خط نستعلیق رضا علی معلم بن شاه فرخ در ۱۰۹۲ هجری (فهرست کتابخانه مجلس شورای ملی، ج ۱۷، ص ۳۵۳)
- ۴- نسخه دیگری در کتابخانه مجلس شورای ملی شماره یک (صص ۱۴۶-۱۶۱) مجموعه ۵۹۸۰ و به خط نستعلیق سده یازدهم است (همان فهرست، صص ۳۵۷-۳۵۶).
- ۵- نسخه کتابخانه مجلس سنا به شماره ۵۵۳، نستعلیق سده یازدهم (فهرست نسخه‌های خطی، ج ۷، ص ۶۴۳)
- ۶- نسخه کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران در مجموعه شماره ۴۲۱۳ شماره دوم (صص ۵۸۳) و به خط نسخ ۱۵ صفر ۱۲۲۴.
- ۷- نسخه کتابخانه دکتر حسین مفتاح شماره پنج مجموعه ۸۲۴ با نستعلیق سال ۱۲۶۶ هجری (فهرست نسخه‌های خطی، ج ۷، ص ۲۵۹)
- ۸- نسخه دیگری در همان کتابخانه مفتاح، شماره ۸ مجموعه ۸۰۲ با نستعلیق سه‌شنبه ۴، ج ۲، ۱۲۸۲ هجری (نسخه‌های خطی، ج ۷، ص ۲۵۸)

چاپ‌های انیس العشاق

شادروان مشار در فهرست کتاب‌های فارسی آورده که «انیس العشاق» در هند به ضمیمه «عجایب المخلوقات» چاپ شده است پس ممکن است چاپ‌های کهن دیگری از این کتاب انجام گرفته باشد. زنده یاد عباس اقبال آشتیانی در ۱۳۲۵ شمسی این کتاب را به قطع رقعی و چاپ سربی در ۶۴ صفحه با دیباچه‌ای به چاپ رسانید. (خان بابامشار، فهرست، ج ۲، ص ۱۷۶)

حقائق الحدائق

در گزارشی که پیرامون «انیس العشاق» یاد گردید، احوال و آثار «رامی» تا آنجایی که این نوشته گنجایش داشت به نگارش در آمد، و در راستای شناسایی آثار او «حقائق الحدائق» را نیز شناختیم و اکنون ویژگی‌های آن به بیان می‌آید:

رامی «حقائق» را بر اساس شرحی بر «حدائق السحر» رشید و طواط بر دو بخش نگارش داد: بخش نخستین را بر پنجاه باب ترتیب داد و در آن صنایعی را که در «حدائق» و طواط آمده با عنوان «قول مؤلف» یاد نمود، آنگاه در بسیاری از آنها با دیدگاهی نوین، قلمرو آنها را گسترده‌تر گردانید، این دیدگاهها با عنوان «قول متصرف» آمده است. رامی در: ترصیع، و ترصیع مع التجنیس، تجنیسات، اشتقاق، اسجاع، ایهام، تضمین، و... قلمرو صنایع را گسترده‌تر ساخت و در آغاز بیشترین افزوده‌های خود را به اعتبار احترام به «وطواط» با کلمه «شاید» بکار برد افزوده‌های «رامی» افزون بر دیدگاه نوین و اشاره به فضل متقدم با این اصل بسیار مهم بلاغی مطابقت دارد که بیشترین اصول بلاغی منحصر و محدود به موارد خاصی یا زبان خاصی نیست، و برای آنها مصداق‌ها و نمونه‌های گوناگون در بسیاری از زبان‌ها موجود است. دولت‌شاه سمرقندی پس از ستایش رامی دیدگاه‌های نوین او را چنین یاد می‌کند: و نسخه‌ای در علم شعر ساخته «حدائق الحدائق» نام و چند صنعت در آن کتاب درج کرده که رشیدالدین و طواط در «حدائق السحر» آن صنایع را ذکر نکرده بود، از آن جمله می‌گوید که رشید آورده که: ایهام کلمه‌ای را گویند که بر دو معنی شامل باشد («حقائق الحدائق»، صص ۵۹-۵۶)، و به نزدیک من می‌باید که به چند معانی مشتمل باشد، و این بیت خواجه عماد فقیه را به استشهاد می‌آورد:

دل عکس رخ خوب تو در آب روان دید واله شد، و فریاد برآورد که ماهی
(تذکره دولت‌شاه سمرقندی، لیدن، ص ۳۹۹)

در بخش دوم کتاب ده باب یاد می‌کند و در آن صنایعی که متأخران از اهل بلاغت در آن تصرف و توجیه نموده‌اند یاد می‌کند. کتاب «حدائق الحدائق» را استاد سید محمد کاظم امام مورد توجه قرار دادند و با در دست داشتن چهار نسخه به ویراستاری آن همت نمودند. استاد تنها به ویراستاری بسنده نکرده‌اند، بلکه مقدمه مفصلی پیرامون زندگی «رامی» در آغاز و یادداشت‌های سودمند و فهرست‌های گوناگون در پایان کتاب نهاده‌اند، و ما پس از این درباره این چاپ توضیح بیشتری خواهیم داد.

در مقدمه حقائق شبیه آنچه در مقدمه حدائق آمده، تکرار شده است که رشید کتابی

چنین و چنان نوشته و به شرح و تفصیل یا اکمال و تکمیل - مثلاً - نیاز دارد، و فرمان جهان مطاع بشرحی مفصل نفاذ یافت.

رامی کتاب را به دو بخش قرار داده:

قسم اول: پنجاه باب است، و به اصطلاح محقق ویراستار با تصرفی چند.

قسم دوم: ده باب است به تصرف سخنوران متأخر.

در پنجاه باب اول در بسیاری از موارد صناعات ادبی «حدائق السحر» را تحت عنوان «قول مؤلف» با استشهاد به اشعار فارسی یاد می‌کند. آنگاه شرح و توضیح بسیار کوتاه خود را که از یکی دو سطر بیش نیست، به عنوان «قول متصرف» می‌آورد. بر روی هم کتاب حقائق از دیدگاه نقد کتاب و چشم پوشی از بسیاری جهات چنین بررسی می‌گردد:

۱- از مجموع شرح و توضیحی که رامی پیرامون صناعات ادبی آورده و در بسیاری از آنها کلمه «شاید» را به کار برده است، مانند «شاید که دو مرصع... ص ۴»، «شاید که هر دو لفظ مزدوج... ص ۳۳» «شاید که بیتی عربی ص ۸۹»، وی اگر بر این باور بوده است که صناعات منحصر به موارد یاد شده در منابع بلاغی نیست، پنداری بسیاری پسندیده و باوری به نسبت نو و تازه می‌باشد.

۲- استناد در تمامی کتاب به اشعار فارسی است جز در صنعت «ملّع» که چهار بیت عربی آمده است. در حدائق و طواط استشهاد به فارسی و عربی هر دو شده و در حقائق تنها به فارسی بسنده نموده است؛ استشهاد به سروده‌های فارسی از این نظر که کاربرد صناعات را در شعر فارسی نشان می‌دهد و سیر تحول این صناعات از ترجمان البلاغة تا عصر رامی و چگونگی استشهاد به آنها را روشن می‌سازد و از این موضوع و حدود آن خارج نشده، مطلوب و پسندیده است. آنانکه صناعات ادبی را در نظم و نثر فارسی بررسی می‌کنند و صور خیال و ساختن ترکیبات کلامی و تعبیرات بلاغی را تحلیل می‌نمایند و توانایی شاعران و ناثران را ارزیابی می‌کنند به اینگونه استشهادها و منابعی که آنها را در بر دارد، نیاز بسیار دارند. در ترجمان البلاغة هم به اشعار عربی چندان استشهادی نشده و لیکن در حدائق السحر به نظم و نثر عربی توجه بسیار شده است.

استشهاد به اشعار فارسی و عربی از جهاتی قابل توجه است:
الف) بلاغت تطبیقی.

ب) توانایی شاعران در کاربرد یک صنعت ادبی و پی بردن به چهره‌دستی آنها.

ج) تحول تاریخی صنعت ادبی.

د) تقدم و تأخر کاربرد صنعت ادبی در دو زبان.

ه) تأثیر و تأثر دو زبان از یکدیگر.

و) عمومیت دلالت صنعت در دو زبان بر عدم انحصار صنایع ادبی و اصول بلاغی به زبانی خاص.

۳- در ترجمان البلاغة و حدائق، نام سراینندگان ذکر شده و این بسیار مهم است. بخصوص در مثل کتاب ترجمان، و لیکن در کتاب حدائق، جز در چهار مورد که بدان اشارت خواهیم نمود، در هیچ مورد دیگری از سراینده یاد نمی‌کند و خواننده نمی‌داند که این سروده‌ها از مؤلف است یا دیگری و مصحح محترم نیز هیچ کوششی در این مورد نکرده است.

۴- توضیح و تفسیر رامی بسیار کوتاه و در مواردی ایجاز مخل است.

۵- قسم دوم کتاب که به اصطلاح صنایعی است که متأخران دست تصرف در آن داشته‌اند، برخی از این صنایع پیش از رامی در کتاب‌های بدیعی به ویژه آنچه به عربی نگارش یافته، مثل بدیع ابن معتر و مفتاح سکاکی و ابضاح خطیب قزوینی و غیره بسیار عالی بیان شده، و رامی در این بخش، صنایع دهگانه مورد نظرش را خیلی به اجمال بیان کرده است.

۶- کوتاهی بیان و شرح‌های رامی، کتاب را به صورت فهرستواره‌ای در آورده و با اینکه کتابی است ادبی و انتظار آن می‌رفت که توضیح‌ها با چاشنی ذوقی بیشتری تبیین و توجیه گردد بسیار خشک و دور از لطافت بیان است و خواننده آن گویا که با کتاب‌های ریاضی مواجه است، البته ترجمان و حدائق هم تا حدودی چنین می‌باشند و لیکن به نسبت کمتر از حدائق، زیرا که گاه در آن دو کتاب، تعبیر و توجیه لطیفی عنوان شده است، برخی از این

کتاب‌ها بدیعی که به عربی نگارش یافته در بیان همین صنایع با بیانی لطیف به تفسیر و تبیین می‌پردازند و برخی از شواهد را تبیین می‌کنند.

۷- در مقدمه آن از حدائق السحر رشید یاد می‌کند و جز این نام منبع دیگری در سرتاسر آن نیامده است.

۸- استشهادها همه به شعر است (ابیات - مصراع) و یکی دو مورد به نثر فارسی استشهاد کرده، مثل ص ۴، باب ۲ در «ترصیع مع التجنیس» گوید: «غماز مکر دقیق کند و خباز فکر دقیق».

نسخه‌های خطی حقایق و چاپ آن

در فهرست نسخه‌های خطی فارسی نزدیک به سی نسخه از کتاب شناسایی و معرفی گردیده، کثرت نسخه‌ها دلیل بر توجه اهل ادب به این کتاب بوده است سادگی و روانی «حقائق» و فنی و تخصصی بودن «انیس العشاق» قلت نسخه‌های خطی این و کثرت نسخه‌های خطی آن را در پی داشته است. «حقائق الحدائق» سرانجام در سال ۱۳۴۱ شمسی با دیباچه استاد سید محمد کاظم امام و کوشش او در دانشگاه تهران به چاپ رسید.

بدایع الصنایع

در مجموعه خطی شماره ۴۲۱۳ کتابخانه مرکزی شماره پنجم مجموعه (برگ ۱۴۹-۱۵۳) کتاب «بدایع الصنایع» شناخته شده که در دیباچه آن به صراحت نام مؤلف «شرف بن محمد رامی» آمده است و آن دیباچه چنین است:

کتاب بدایع الصنایع... بسمله و به نستعلیق، شکر و سپاس بی قیاس پادشاهی را که به دست مشاطه قدرت مستوره را لقب نهاد و قلم دو زبان را در سلک غواصان کشید... و بعد غرض از این مقدمات آنکه روزی در... تبریز... این ضعیف از صاحب کمالی استفسار کرد که سخن چگونه لعبتی است که از پرده غیب رویش نمی‌توان دید و به فکر دوربین نتوان رسید، گفت آن مستوره صاحب حسنی است که چون پای بر ناقه‌ای درآورد و سر از عماری نامه بیرون کند، نقطه خال عنبرین موی او دل از شاهدان یاسمین بوی برآید... و مجموع اقسام

دقائق الشعر و حدائق السحر در شانزده صنعت مندرج است و از این جهت مسما است ببدایع الصنایع... فهرست کتاب: ۱- ترجیع ۲- تجنیس ۳- سجع ۴- اشتقاق ۵- ذوقافیتین ۶- استفهام ۷- ایهام ۸- متضاد ۹- مترادف ۱۰- ردّ العجز علی الصدر ۱۱- مراعات النظیر ۱۲- کنایه ۱۳- استعاره ۱۴- مقلوب ۱۵- مطرف ۱۶- لزوم مایلزوم، هر یک از این تحف... شرف بن محمد الرامی در جویبار و روضه جان در ریاض طبع سخن دان را شجری است بابار بسیار و نهالی است با برگ بی شمار...

انجام:... چون سلطان زاده مشایخ محبوب قلوب و مقبول سلطان... بنده را به تحریر این تقریر فرمان داد از روی ارتجاع طبع مبتدی استعجال کرد... شرف روز خود دانست... توقع آنکه... عیب پوشی و بار فروشی دریغ و تقصیر فرمایند و عذر بر من است، «صاحب هنر نگیرد بر بی هنر بهانه».

نتیجه:

اگر چه پیش از شرف الدین رامی (سده هشتم) کتابهایی در علوم بلاغی به زبان فارسی نگارش یافته که مهمترین آنها: «ترجمان البلاغة» رادویانی و «حدائق السحر» وطواط و «المعجم» شمس قیس رازی است و لیکن در هیچ یک از این آثار طبقه‌بندی موضوعی صور خیال مورد بحث و بررسی قرار نگرفته است. شرف الدین رامی پیرامون علوم بلاغی و صناعات ادبی آثاری پسندیده نگارش داده که «انیس العشاق» و «حقائق الحدائق» از آن جمله است، وی در «انیس العشاق» به طبقه‌بندی موضوعی صور خیال مربوط به اعضا و اندام آدمی پرداخته است. این طبقه‌بندی از ابداعاتی است که وی بدان دست یافته و گویا پیش از او کسی بدان پرداخته است؛ در این گزارش آثار بلاغی شرف الدین رامی و از جمله «انیس العشاق» او معرفی گردیده است.

منابع:

- ۱- ابن یوسف شیرازی، الف - فهرست کتابخانه مدرس سپهسالار، تهران، مجلس ۱۳۱۶ - ۱۳۱۸ش. ب - فهرست کتابخانه مجلس شورای ملی، ج ۳، تهران، ۱۳۲۱-۱۳۱۸ش.

- ۲- افشار، ایرج، درباره نسخه‌های خطی (جلدهای متعدد با تاریخ‌های گوناگون)، تهران، دانشگاه تهران.
- ۳- حاجی خلیفه، کشف الظنون عن اسامی الکتب و الفنون (الطبعة الاولى) (ترکیه)، بی تا.
- ۴- حجتی، محمدباقر، فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه دانشکده الهیات دانشگاه تهران، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۴۵ ش.
- ۵- خان بابا مشار، فهرست کتابهای فارسی چاپی، ج ۲، تهران، امیرکبیر، بی تا.
- ۶- دانش پژوه، محمد تقی، فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران، تهران، دانشگاه تهران، جلد‌های متعدد...
- ۷- دولت‌شاه سمرقندی، تذکرة الشعراء، لیدن، بی تا.
- ۸- رادویانی، محمد بن عمر، ترجمان البلاغة، استانبول، مطبعة ابراهیم خروس، ۱۹۴۹م، تهران، اساطیر، ۱۳۶۲ ش.
- ۹- رامی، شرف‌الدین حسن، الف (انيس العشاق، به کوشش عباس اقبال آشتیانی، تهران، ۱۳۲۵ ش. ب) حقائق الحدائق، تصحیح سید محمد کاظم امام، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۴۱ ش.
- ۱۰- منزوی، احمد، فهرست نسخه‌های خطی فارسی، تهران، عمران منطقه‌ای، ۱۳۵۰ ش.
- ۱۱- وطواط، رشیدالدین، حدائق السحر فی دقائق الشعر، اقبال آشتیانی، تهران، سنایی - طهوری، ۱۳۶۲ هـ